

## شخصیت بازرگان در داستان های طوطی نامه

سپیده سیدفرجی

کارشناس ارشد ادبیات فارسی و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی

حسین فقیهی

دکتری زبان و ادبیات فارسی و استاد راهنما- استاد دانشگاه الزهرا

### چکیده

این مقاله به بررسی کتاب طوطی نامه (قرن هشتم) از ضیاءالدین نخشی از منظر بررسی شخصیت (تیپ) بازرگان در این اثر می پردازد. تیپ، خصوصیات مشترک طبقه ای از افراد است که آنها را از سایر طبقه ها جدا می کند. نویسندگان قدیم در شخصیت پردازی بیشتر به خلق تیپ اکتفا می کردند. در طوطی نامه نیز شخصیت ها و تیپ -های متعددی ایفای نقش می کنند که در این میان تیپ بازرگان در خور توجه است. «بازرگانان» این حکایات به اقتضای شغل خود مجبور به ترک خانه شده و به سفرهای دور و دراز و طولانی مدت می روند. نویسنده در داستان اصلی کتاب - که تمام داستان های دیگر حول آن می چرخد - از شخصیت بازرگان به عنوان شخصیت اصلی خود استفاده کرده است، بازرگانی که به سفر می رود و عرصه را برای بازگویی داستان های دیگر باز می کند. سفر بازرگان و عدم حضورشان در داستان های دیگر، زمینه را برای اهداف مورد نظر نویسنده مهیا می کند. به علاوه شخصیت اصلی در یازده حکایت از ۵۲ شبی که طوطی داستان هایش را برای همسر بازرگان تعریف می کند، شخصیت بازرگان است که این بسامد بالا دلیل دیگرانتخاب این تیپ شخصیتی برای بررسی در این مقاله است. در این مقاله ابتدا به بررسی اجمالی شخصیت های موجود در طوطی نامه پرداخته و در ادامه شخصیت بازرگان به طور تفصیلی بررسی شده است.

کلید واژه: طوطی نامه، بازرگان، سفر، شخصیت، تیپ

## مقدمه

واژه کاراکتر (character) از کلمه یونانی Karassein به معنی حکاکی کردن و عمیقاً خراش دادن گرفته شده است. در یونان قدیم این واژه برای طرح‌های منثوری به کار می‌رفت که مجموعه‌ای از تیپ‌های مختلف آدم‌ها بود که گرد هم می‌آمدند. شخصیت معادل این واژه در ادبیات داستانی است و نباید آن را با اصطلاح خاص علم روان‌شناسی یکی دانست.

منظور از شخصیت در داستان چهره‌های خیالی است که از ذهن خلاق نویسنده درآمده و با قلم او آفریده می‌شوند لذا می‌توان گفت شخصیت در داستان نوعی شبه شخصیت است، انسان واره‌ای است که در عین شباهت به نمونه‌های بیرونی، منحصرأ در همان متن داستان واقعیت پیدا کرده است. چنان که مارتین ترنل معتقد است هر شخصیتی یک ساختمان کلامی است که بیرون از محدوده کتاب هیچ موجودیتی ندارد؛ محلی است که حالات و احساسات رمان‌نویس در آن متجلی می‌شود و اعتبار و ارزش آن در روابطی است که با دیگر ساختمان‌های کلامی نویسنده برقرار می‌کند.

در مقایسه اهمیت حوادث در مقابل شخصیت داستان باید گفت: حوادث داستان در اطراف یا در ذهن شخص یا اشخاص به وجود می‌آید و آن شخص یا اشخاص را به واکنش در مقابل آن و اغلب کشمکش با آن حوادث وامی‌دارد. معمولاً در داستانی که حوادث یا اعمال داستانی سرعت زیاد دارند و تشخص بیشتری می‌یابند شخصیت از اهمیت کمتری برخوردار است؛ اما در داستانی که اساس بر پرورش شخصیت باشد حوادث هم در خدمت تکامل شخصیت قرار می‌گیرد.

رفتار شخصیت باید با اعمالی که به او محول شده همخوانی داشته باشد. «اگر رفتار شخصیت در طول داستان تغییر کند باید نویسنده برای این تغییر دلیلی محکم و قابل قبول داشته باشد» (لارنس، ۱۳۶۸: ۴۹-۵۰). رفتار شخصیت‌ها معمولاً در طول داستان‌های طوطی‌نامه تغییرات عمده‌ای نمی‌کند و در واقع بیشتر شخصیت‌ها ایستا هستند. شخصیت ایستا، شخصیتی است که از آغاز تا پایان داستان، تحولی در رفتارش روی نمی‌دهد (همان: ۵۴). گاهی نیز شخصیت‌ها تغییراتی می‌کنند که اشاره خواهیم کرد.

معمولاً نویسندگان بسته به نوع فضا و طرح داستان، شخصیت‌هایشان را از طرق مختلف مثل گفت‌وگو، توصیف مستقیم یا توصیف حالات ذهنی و روانی به خواننده معرفی می‌کنند. در مورد شخصیت، این مسئله قابل توجه است که باید زبان او با میزان اطلاعات و رتبه اجتماعی او همگون باشد.

## شخصیت و انواع آن

بسیاری از صاحب نظران، شخصیت را مهم‌ترین عنصر داستان دانسته‌اند. به اعتقاد ویرجینیا ولف سر و کار تمام رمان‌ها فقط با شخصیت است. به عقیده براهنی عامل شخصیت، محوری است که تمامیت قصه بر مدار آن می‌چرخد. کلیه عوامل دیگر علت وجودی خود را از شخصیت کسب می‌کنند. دگرگون شدن شخصیت موجب دگرگونی حوادث، طرح و توطئه و سایر عوامل دیگر می‌شود. صاحب نظران، تقسیم‌بندی‌های متعددی درباره شخصیت انجام داده‌اند. سابقه تحلیل شخصیت به ارسطو می‌رسد. او شخصیت را به دو تیپ خوب و بد تقسیم کرد (عبداللہیان، ۱۳۷۹: ۳۶). نوع دیگری از تقسیم‌بندی عبارت است از شخصیت‌های ساده و جامع و نیز نوع دیگر شخصیت‌های اصلی و فرعی هستند (هارثون، ۱۳۷۹: ۴۰). برخی دیگر، شخصیت‌های پس‌زمینه (سیاهی لشکر) را نیز به آن دو افزوده و شخصیت را از نظر پیشبرد ساختار روایی به سه دسته تقسیم کرده‌اند:

۱- شخصیت اصلی (اول)

۲- شخصیت فرعی (اصلی دوم و سوم...)

۳- شخصیت پس‌زمینه یا سیاهی لشکر (کاموس، ۱۳۷۷: ۵۶).

تقسیم‌بندی دیگر، شخصیت‌های ساده و پیچیده است، شخصیت ساده خود به دو دسته کلیشه‌ای (تیپ) و ساده خاص شده تقسیم می‌شود. فورستر نیز شخصیت را به دو دسته تخت (ساده، مسطح) و چند بعدی (پیچیده، مدور) تقسیم می‌کند (همایونی، سال اول: ۸۲). میرصادقی در عناصر داستان، شخصیت‌ها را به انواع مختلف تقسیم می‌کند: قراردادی، نوعی، تمثیلی و نمادین (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۱۱۰) و همچنین در واژه‌نامه هنر داستان نویسی از شخصیت شریر، مخالف، مقابل و همراز سخن می‌گوید (میرصادقی، میمنت، ۱۳۷۷: ۱۸۲).

## شخصیت در طوطی‌نامه

در طوطی‌نامه مجموعاً حدود ۸۹۱ شخصیت<sup>۱</sup> وجود دارد که از این تعداد ۵۲۰ شخصیت مرد هستند و ۱۵۲ مورد از شخصیت‌ها شامل کودکان، حیوانات، جنیان، سه مورد دریا و یک مورد درختی است که حکم می‌کند. در این میان جنسیت اکثر این شخصیت‌ها نامشخص است بنابراین خنثی هستند جز در مواردی که به دختر یا پسر بودن کودک و نر یا ماده بودن حیوانات اشاره رفته است، تعداد زنان ۲۱۹ نفر است.

<sup>۱</sup> - گاه نه با یک شخصیت بلکه با گروهی از شخصیت‌ها مانند کودکان، جوجه‌های طوطی، خواستگاران، ندیمان و... سر و کار داریم که تعداد واقعی آنها در کتاب طوطی‌نامه مشخص و ذکر نشده و ما آنها را یک شخصیت به حساب آورده‌ایم.

همان‌طور که مشاهده می‌شود تعداد مردان حدوداً دو برابر زنان است و این نشان‌دهنده فضا و محیط مردسالارانه داستان‌هاست. این در حالی است که پرداختن به موضوع مکر زنان خود موجب افزایش تعداد شخصیت‌های زن در کل اثر می‌شود.

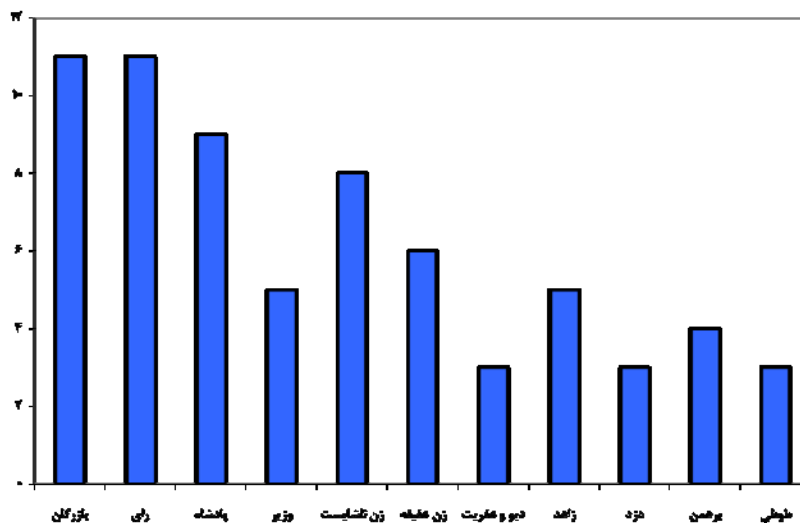
### شخصیت‌های اصلی

در برخی از داستان‌ها (معمولاً داستان‌های حادثه پردازانه) تعیین یک شخصیت اصلی کار دشواری است؛ زیرا هر قسمت از داستان را عملیات یک شخص پیش می‌برد و سپس آن شخص از صحنه خارج می‌شود و فرد دیگری جای او را می‌گیرد، بنابراین در این مواقع نمی‌توان تنها یک شخصیت را اصلی یا قهرمان دانست مانند حکایت ۱۱ و ۶.

این شخصیت‌ها معمولاً در پشت حوادث پنهان می‌شوند لذا تعیین شخصیت اصلی برای برخی داستان‌ها دشوار می‌نماید. با این حال می‌توان گفت شخصیت‌های اصلی داستان عبارتند از:

بازرگان و بازرگان‌زاده در داستان‌های: حکایت اصلی ۲، ۱۹، ۴۰، ۴۴، ۴۵، ۵۵، ۵۶، ۵۹، ۶۲، ۶۵، ۷۰، ۸۱، پادشاه و شاهزاده در حکایات: ۳، ۱۶، ۷۷، رای در حکایات: ۱۴، ۳۸، ۴۰، ۷۵، ۸۶، وزیر: ۳۰، ۵۸، ۶۶ زاهد: ۳۶، ۸۲، زن عقیقه: ۴، ۷۳، زن ناشایست: ۲۹، ۳۹، ۷۸، حیوانات: ۷، ۲۷، ۷۱، ۷۹

در نمودار زیر پراکندگی شخصیت‌های عمده اصلی طوطی نامه آورده شده است.



شکل ۱- نمودار پراکندگی شخصیت‌های عمده اصلی طوطی نامه

### شخصیت‌های پس‌زمینه (سیاهی لشکر)

هیچ عملی را در داستان انجام نمی‌دهند و حضورشان تنها به توصیف صحنه، واقع‌نمایی و ایجاد حال و هوا در داستان کمک می‌کند. مانند: خوبریان در حکایت اصلی، هشتاد مرد بادیه‌نشین در حکایت ۱، خواستگاران در حکایت ۵۹ و ....

### شخصیت‌های قراردادی

تعداد شخصیت‌های قراردادی در طوطی‌نامه زیاد است. زیرا این نوع شخصیت خصوصیات سنتی و جافتاده دارد و در آثار مشابه طوطی‌نامه از دیرباز وجود داشته است. طبق تعریف شخصیت قراردادی شخصیت‌هایی هستند که با تغییراتی بارها و بارها در داستان‌ها و ... ظاهر شده‌اند و خصوصیت قراردادی و همیشگی خود را حفظ کرده‌اند.

در بسیاری از داستان‌های طوطی‌نامه تمامی شخصیت‌ها را می‌توان قراردادی دانست مانند تمام شخصیت‌های حکایت ۱۱، ۱۲، ۱۹، ۲۰، ۷۰، ۸۱، ۸۲، شخصیت‌های انسانی داستان ۷۴ و ....

### شخصیت‌های شریر

زاغ و شغال و همسر در حکایت ۳۷، وزیر سوم در حکایت ۵۸، ملک، عفریت در حکایت ۷۹ و ....

### شخصیت‌های تمثیلی

طوطی تمثیل افراد عاقل، سخندان با سیاست در حکایت اصلی، ۲، ۸، ۱۶، ۴۳، ۷۰، ۷۱، ۸۶، شغال تمثیل افراد طمع‌کاری که سرشان بی‌کلاه می‌ماند اما مکارند در حکایت ۲۹ و ....

### شخصیت‌های همراز

همه شخصیت‌های همراز به یاری شخصیت رازگو می‌پردازند، مانند اغلب زنان شاه، رای، بازرگان و نیز مادر شخصیت‌ها.

### شخصیت‌های مقابل

این نوع از شخصیت در تقابل و مقایسه با شخصیت‌های دیگر است تا خصوصیت‌های آن‌ها بهتر نشان داده شود. مانند: شغال در مقابل درازگوش در حکایت ۶۷، زاهد عاقل در مقابل سه زاهد کم خرد اما هنرمند در حکایت ۸۴ و ....

در جدول زیر خلاصه‌ای از شخصیت‌های مختلفی که در طوطی‌نامه آورده شده ارائه شده است.

جدول ۱- شخصیت در طوطی نامه

شخصیت ها	شخصیت های عام	شخصیت های خاص	تعداد درصد	
حیوانات	دو بچه خرس، جوجگان طوطی، شیر، گوسفند، پرندگان، موش ها، گربه، کبک، طاووس، ماهی، خرسان، یوزان، ببر، پلنگ، خوکان، اسبان،	طوطی، شارک، روباه، سیاهگوش، بوزینه، گنجشک، مار، باز، گرگ، شغال، غوک، مرغ، عقاب، زاغ، سوسمار، درازگوش، گرزه مار، پیل سپید، دراز نول، زنبور، صدفغ، پیل مست، بط، آهو، گزدم، حمدونه،	۱۱۷	۵/۲۲
صاحبان مشاغل	بازرگان، تاجر، ناخدا، سوداگر، شاه، سپاهی، امراء، پهلوانان، وزیر، مخدوم، رامشگران، زرگر، نجار، حاکم، لشکری، باغبانان، گل فروشان، صیاد، کوتوال، سرهنگان، طبیبان، درودگر، زرگر، حایک، سیاح، شحنه، قاضی، رای، صیرفی، بازرگان زاده، وزیرزاده، راهب، برهمن، دزد، دوره گرد، امیر، سگبانان، اطباء، بیطاران، کشتبان، حجام، مشت زن، ندیمان، بازاری، زن بازاری، سپید باف،	سعید بازرگان، بهزاد بازرگان، ناخدا منصور، بهوجراج، گلخندان، ماشاءالله، بکرماکر، شاه جاماس، منوچهر بازرگان زاده، زریر شعرباف، صاعد بازرگان، زبیر بازرگان زاده، رای مهلار، عبدالملک بازرگان نیک سیرت، رای بکرماجت،	۹۹	۱۹
زنان و دوشیزگان	زن، خواهر خوانده، ، خوبرویان، زن سوداگر، معشوق، سیمین بر، زن صالحه، زن زیبا، زالان آن کاره، زن	ماه شکر، نیک فال، زن سعید، زن ناخدا، زن سوداگر، زن سپاهی، زن لشکری، زن برهمن، دختر رای، زن آن	۷۵	۴/۱۴

		آن کاره، مادر، کدبانو، خاکجیو	کاره، سیتا، زن وزیر، زن شوی مرده، عروس عقیفه، دختر شاه، دختر زاهد، زن زن زاهد، ناز چهر، کامجوی، زنان تجار، زنان حرمسرا، زن گلخندان، زن بقال، کامجوی، مهنوش، فرنگیس، هزار ناز، سیاره، دختر بازرگان، عجب نوش، دختر ناقص الخلقه، همسر ماهیگیر، زن کشتبان
		جوان، جوان مهوس، مرد دلاور، ژنده پوش، برهمن، عاشق، مرد عیار، پیرمرد، ۸۰ مرد حکیم، ۴۰ مرد بدوی، جوان خوش الحان، گناهکار، پسر کوچک ملک، پسر بزرگ ملک، زاهد، مرد زنگی، امیرزاده، جوان امرد، پدر خوانده، برنایی، شاهان، وزیران، امیر زادگان	سعيد، صاعد، جانباذ، رام، لطيف، ۷۲ ۸/۱۳
		شاه، وزیران، امیر زادگان	شداد عاد، پادشاه هریو، شاه خوزستان، امیر سیستان، ملک چین، ۷۰ ۱۳
		شخصیت های نمادین و تمثیلی	جبرائیل، ققنوس، پیک یزدان، کبک، زاغ، شغال، بوزینه، شیر، موش، گربه، طوطی، پیل نر، گرگ گرسنه، ماهی (دو رگه)، ۲ دیو مرد، ۲ دو زن، درازگوش، روباه عاقل، اژدهای آدمخوار، ۴۳ ۸/۲
		شخصیت	موسی، نوح، سلیمان، ۱۸ ۵/۳

			های
			مذهبی و
			دینی
			غلامان و
۹/۲	۱۵		کنیزکان
			شخصیت
			های
۵/۱	۷	دریا و باد، درخت	برگرفته از
			طبیعت
			عامه مردم
۱	۴	مرد همسایه، منعمی، کفار، سپاهی، مردمان، همسایه، میهمانان،	
			اشخاص
۰۵/۰	۳		شخصی، دیگری، قومی، نا معلوم

### ویژگی های شخصیت و شخصیت پردازی در قصه ها و افسانه ها

شخصیت های قصه، خوب خوب یا بد بد هستند (مطلق گرایی) (فولادی، ۱۳۷۹: ۵۱) و (شمیسا، ۱۳۸۱: ۲۳۰) و حوادث در خصوصیات روحی و خلقی آن ها تغییر ایجاد نمی کند، تغییر نمی کنند و تغییر را بر نمی تابند (ایستایی). گریز ناپذیری شخصیت ها از سرنوشت و تقدیر ویژگی دیگر قصه است (تقدیرگرایی). عدم توجه به جزئیات وقایع و خصوصیات روحی و خلقی اشخاص و شرح کلی وقایع و امور (کلی گرایی) ویژگی دیگر قصه هاست (یوسفی، ۱۳۸۰: ۵۶).

براساس سخنان نقل شده و با توجه به ویژگی های طوطی نامه می توان گفت شخصیت های طوطی نامه در مجموع کلی، مطلق، ایستا و تقدیرگرا هستند.

شخصیت پردازی در داستان به دو صورت کلی انجام می شود: مستقیم، غیرمستقیم

این دو شیوه، روش توضیحی و نمایشی هم نامیده می شود. البته ترکیب این دو شیوه نیز معمول است (بیشاب، ۱۳۷۴: ۱۹۱). در روش مستقیم، راوی صریحاً درباره شخصیت ها نظر می دهد و وضعیت و



ویژگی‌های اخلاقی و خصوصیاتشان را توصیف و ارزیابی می‌کند. در این شیوه نویسنده معمولاً با کلی‌گویی، تعمیم و تیپ‌سازی شخصیت را معرفی می‌کند و پس از هر فصلی یا حادثه‌ای داخل داستان نتیجه اخلاقی، اجتماعی و فلسفی داستان را برای خواننده توضیح می‌دهد و خواننده به اجبار از زاویه دید او به داستان می‌نگرد.

در شخصیت‌پردازی غیرمستقیم نویسنده شخصیت را در حین عمل به ما نشان می‌دهد و ما براساس عمل و سخن و فکر او در موردش قضاوت می‌کنیم. در شیوه غیرمستقیم معمولاً زاویه دید راوی محدود است این شیوه با جزءنگری سر و کار دارد (عبداللهیان، ۱۳۸۰: ۶۲-۶۴). «برای شخصیت‌پردازی غیرمستقیم می‌توان از این عوامل سود جست: کنش (اعمال)، گفتار (گفت‌وگو)، نام، محیط و وضعیت ظاهری» (اخوت، ۱۳۷۱: ۱۴۱).

شخصیت‌پردازی در طوطی‌نامه به دو صورت مستقیم و ترکیبی انجام گرفته است.

#### نام و شغل شخصیت‌ها

نامگذاری بر شخصیت‌ها جز در موارد محدودی مانند صاعد، سعید، ماه شکر، نازچهر، گلخندان، ماشاءالله، به صورت کلی و براساس شغل، طبقه و موقعیت اجتماعی اشخاص صورت می‌گیرد. گاهی شغل شخصیت‌ها بر داستان تأثیر می‌گذارد و موجب فضاسازی، انجام عمل، پیش بردن طرح، ایجاد صحنه و مکان حادثه و... می‌شود. در اغلب داستان‌ها از جمله حکایت اصلی شغل بازرگانی و الزام بازرگان در رفتن به سفرهای دریایی و دور و دراز زمان و مکان خیانت را مهیا می‌کند.

#### کارکردهای شخصیت‌ها

هر شخصیت داستانی اعم از اصلی و فرعی، جدا از اعمال و کنش‌های خود هنگام رویارویی با حوادث، مأموریتی دریافت می‌کند. این مأموریت‌ها عبارتند از: بیان ماجرا، یاری به طرح اصلی و گسترش طرح و ....

#### کارکردهای شخصیت‌ها در طوطی‌نامه

معمولاً بیشترین کارکرد را شخصیت اصلی هر داستان برعهده دارد. از میان کارکردهای مختلف، بیشترین کارکرد شخصیت‌ها، یاری به طرح داستان است زیرا شخصیت و طرح بیشترین پیوند را با هم دارند.

#### سایر کارکردها:

- یاری به دیگر شخصیت‌ها

- تضاد و کشمکش با شخصیت‌ها

- بیان ماجراهای پیش آمده که گاه دروغ است

### انواع تیپ های شخصیتی در طوطی نامه

یکی از ابعادی که موجب شناساندن بهتر اثر، به ویژه شخصیت های آن می شود و ما را به کلیتی در باب شخصیت ها رهنمون می گردد، توجه به تیپ های اثر و متمایز کردن آن از شخصیت ها (کاراکتر) است. تیپ، خصوصیات مشترک طبقه ای از افراد است که آن ها را از سایر طبقه ها جدا می کند، افراد یک تیپ نمونه ای هستند برای امثال خود. با این توضیح، افراد یک تیپ خصوصیات کلی و مشابه هم دارند در حالی که هر کاراکتر خصوصیات فردی و ویژه خود را دارد. بنابراین، تیپ کلی و کاراکتر شخصی است (للاج، ۱۳۷۴: ۱۲).

نویسندگان قدیم در شخصیت پردازی بیشتر به تیپ اکتفا می کردند اما در قرون اخیر با تأثیرپذیری از روان شناسی به فردیت اشخاص توجه بیشتری شده است.

تیپ های مختلف طوطی نامه عبارتند از: بازرگانان، دزدان، زاهدان، وزیران، جنیان، حیوانات. این مقاله به بررسی نقش وزیر می پردازد.

### تحلیل داستان های بازرگان

در طوطی نامه با یازده بازرگان و بازرگان زاده در داستان های اصلی، ۲ و ۱۹ و ۴۰ و ۴۴ و ۴۵ و ۵۵ و ۵۶ و ۵۹ و ۶۲ و ۶۵ و ۷۰ روبرو می شویم.

حکایت اصلی این گونه آغاز می شود که بازرگانی «وافر حال فاخر اموال بوده است و مایه تربص و سرمایه تجارت بی اندازه داشت و... ولکن در جویبار تناسلش نهال فرزندی نبود:» ص ۲۱. بازرگان به جهت این موضوع بسیار شکسته دل و منقسم خاطر است و در راه بچه دار شدن همه نوع تلاشی می کند «روزی خواجه سعید به قدمبوس زاهدی متعبد مشرف گشت و از انفاس مبارک او مدد خواست» ص ۲۲. سپس صاحب فرزند می شود و شادی می کند و در اوان شباب «به جهت فرزند بهشتی، حوری ماه شکر نام از خاندانی بخواستند و ماه و خورشید را در برج ازدواج و منزل زوجیت، قران سعیدین دادند و...» پسر بازرگان آنقدر دل مشغول عروس می گردد و کار الفت و دلبستگی عروس با داماد به جایی می رسد که «پس چنان شد که صاعد از مصالح خانه و مهم بازار دست برداشت و بدان سبب مادر و پدر از دیدن جمالش محروم شدند.»

۲۳. بازرگان از این حال آشفته می‌گردد و در پی راه چاره فرزند را نصیحت می‌کند و برای وی حکایتی بازگو می‌کند که به موجب آن فرزند از روال قبلی دست کشیده و به سفری تجاری می‌رود و تا ۵۲ شب باز نمی‌گردد و عرصه داستان از حضورش خالی می‌گردد تا عرصه خیانت باز باشد و اندیشه بد به ذهن ماه شکر راه یابد.

در حکایت دوم به سوداگری از هند بر می‌خوریم که به جهت سودا، به طرف خراسان می‌رود و سفرش همانند دیگر بازرگانان کتاب مدتی به طول می‌انجامد. به نظر می‌رسد وی با سود بازگشته است در غیابش به وی خیانت می‌شود و هنگامی که خبر ماجرا به سمع و نظرش می‌رسد. «با زن مزاج خود را به کلی متغیر کرد و «در گذاشتن و بیرون کردن [زن]، عزیمت مصمم گردانید.» در پایان پس از ماجراهای فراوان فریفته می‌شود و همسر را با اعزاز به خانه می‌آورد «خواجه نومسلمان [بازرگان] بدان کلمات طوطی، در زمان قوم خود را از آن مقام به خانه آورد و دست و پاش ببوسید و از کرده و گفته خویش بحلی خواست...» ص ۴۵ در حکایت ۱۹ بازرگان‌زاده در سفری که داشته از حکیمی طوطی سخنگویی خریداری می‌کند.

در این حکایت بازرگان‌زاده ناچار می‌شود با وزیر زاده شرطبندی کند آن هم بر سر اموال فراوان و همسرش. در این حکایت به بازرگان‌زاده خیانت می‌شود و در ابتدا شرط را می‌بازد اما در پایان، داستان به گونه دیگری رقم می‌خورد و بازرگان‌زاده اموال و زن و فرزند وزیر را در همان شرطبندی به دست می‌آورد و در پایان که به ماجرا وقوف می‌یابد در تلافی خیانت همسر وی را می‌کشد.

در حکایت ۴۰ بازرگانی را می‌بینیم «کثیر اموال و سرایش از نعمت‌های فراوان مالا مال»، در جریان داستان در پی شک بازرگان در حکمت‌های الهی می‌بینیم که عمل نادرست بازرگان بسیار تأثیرگذار است. وی سری بریده‌ای را می‌بیند که بر پیشانی‌اش نوشته شده این سر در زمان حیات ۸۴ فرد را کشته و در زمان ممات هم همان اندازه خواهد کشت. بازرگان در صحت این ماجرا شک می‌کند سر را به خانه برده می‌سوزاند و خاکستر آن را در حقه‌ای و سپس در طبله‌ای می‌نهد و بعد از چند روز «خواجه عزیمت تجارت به طرفی تصمیم داد» و باز همانند سایر داستان‌ها عرصه برای رخداد وقایع مهم در غیاب خواجه بازرگان وسیع می‌شود «و بعد از هفت سال بازرگان مراجعت فرمود» ص ۲۸۴. سپس بازرگان از دختر شوی نکرده خود صاحب نوه‌ای می‌شود که در هفت سالگی گوهرهای ناب را از قلب باز می‌شناسد (کودک فراواقعی)، او این فرزند بی‌پدر را به گروه تجاری که به آن شهر آمده‌اند به تمنّ بخشی می‌فروشد و در اینجا از صحنه خارج می‌شود.

در حکایت ۴۴، بازرگانی فراوان مال فرزندی ناخلف دارد که «همت در اسراف اموال پدر، همواره می‌گماشت» نقش بازرگان تنها داشتن مال فراوان و فرزندآوری است و سپس می‌میرد و از صحنه خارج می‌شود. فرزند وی با دختر بازرگانی مالدار از شهری دور دست ازدواج می‌کند و نقش آن بازرگان تنها داشتن فرزند دختر است و این که به دختر جهازی فراوان و پیرایه و زیور بی‌پایان می‌دهد و هنگامی که بازرگان‌زاده بد طینت رخت و کالا را از عروس می‌رباید و وی را در چاهی می‌افکند. پدر عروس [بازرگان] - که از ماجرای این مغادرت بی‌اطلاع است - برای بار دوم اموال و اسباب بسیار به دختر می‌دهد و داماد را باز می‌گرداند.

در حکایت ۴۵ بازرگانی جوان به نام بهزاد را می‌بینیم که از میزان اموالش -چه صریح چه غیرصریح- صحبتی به میان نیامده اما در کل به نظر نمی‌رسد بی‌مال و فقیر باشد. او ازدواج می‌کند و در همان اول ازدواج «مرد را عزیمت سفری پیش آمد، به ضرورت روان شد» ص ۳۰۴. عرصه که خالی می‌شود «داعی شوق و باعث ذوق» در کار می‌آید و عروس «با دیگری جای گرم کرد. تا بعد از مدتی خواجه بهزاد از آن مسافرت بازگشت.» در ادامه ماجرا هزارناز [عروس] به سر قرار با معشوق می‌رود و پس از آن که بینی‌اش کنده می‌شود شوی را متهم به مثله کردن می‌نماید و با داد و قال وی را به نزد قاضی می‌برد و قاضی نادان که مانند تمام قاضیان دیگر در طوطی‌نامه که بدون سیاست و بدون بررسی کافی حکم صادر می‌کنند حکم به مثله کردن مرد بازرگان می‌دهد. بازرگان بی‌نوا از عقوبت می‌رهد زیرا سیاست داستان‌گوی طوطی‌نامه آن است که سر بی‌گناه بالای دار نمی‌رود و بی‌گناهان قطعاً با پایان‌بندی خوب و شیرین به رهایی و شادی می‌رسند عکس‌العمل بازرگان پس از معلوم شدن حقیقت در برابر این خیانت و تهمت آن است که هزارناز را از خانه خویش اخراج می‌کند.

حکایت ۵۵ تنها حکایتی است که حال و روز بازرگان از قانون کلی حاکم بر داستان‌هایی دارای شخصیت بازرگان در طوطی‌نامه پیروی نمی‌کند زیرا بازرگانی را می‌بینیم که «از تصاریف دهر و حوادث عصر، از روز غنیت به شب مسکنت رسیده بود و از نعم دنیاوی و ملک و مال و سرمایه بجز درازگوشی، چیز دیگر نمانده.» ص ۲۶. بازرگان مالدار سابق و مفلس کنونی به توصیف راوی «مرد زیرک طبع و شیرین حرکات بود.» بازرگان در داستان نقش فرعی دارد و تنها با زیرکی پوست شیری را بر سر الاغش می‌کشد تا الاغ بدون دردسر وارد مزارع مردم شود و تغذیه نماید و بازرگان تنها وی را نصیحت می‌کند که خاموش باشد و زبان

در کام کشد. در پایان ماجرا که الاغ لو رفته و به دست کشتبان لت کوبی سخت شده تنها بازرگان می‌آید و از باغبانان عذر می‌خواهد و مرکب را رها می‌کند.

در حکایت ۵۶ بازرگان تنها نقشش آن است که دو پسر دارد پسری نیک از زنی حره و پسری بد طینت از کنیزک یهودی سپس بدون این که از مرگش صحبتی شود یا به میزان اموالش اشاره گردد از صحنه خارج می‌شود. پسر نیک‌منش وی نیز بازرگان است و طبق معمول «روزی مراکب مسافرت را زین نهاد» تا عرصه خیانت برای برادر کوچک تر بد سرشتش باز شود.

در ادامه ماجرا به بازرگان دیگری برمی‌خوریم که پدرخوانده خورشید زن بازرگان جوان نیک‌سیرت است و زن بازرگان پس از آن که از ماجرای سنگسار شدن جان به در می‌برد به وی پناه می‌برد، بازرگان در اینجا مهربان و تیماردار معرفی می‌شود که به خورشید پناه می‌دهد اما در پی عمل و افکار پلید و ناشایست پسر خود [لطیف] در حق خورشید و کشته شدن پسر کوچک‌ترش با آن که «بازرگان را به هیچ سبیل بر وی گمان نمی‌شد و در برائت او وقوفی تمام داشت» اما «او [خورشید متهم به قتل] را دستوری داد و از کلبه خویش اخراج کرد.» ص ۳۶۸. چندی دیگر به بازرگانی برمی‌خوریم که خورشید به وی فروخته می‌شود و او نهایتاً خورشید را آزاد می‌کند و به او یک دست جامه می‌دهد. هنگامی که بازرگان نیک‌سیرت از سفر باز می‌گردد نقش خاصی ایفا نمی‌کند تنها این که باور می‌کند خورشید به سبب خیانت سنگسار شده و از آن پس عصاکش برادر بدطینت خود می‌شود که به سبب خبث طینت کور شده؛ اما پایان ماجرا طبق روال سایر داستان‌ها به خوبی رقم می‌خورد.

نقش بازرگان حکایت ۵۹ نیز تنها در این حد است که نعمت بسیار دارد و دراهم و دنانیر در گنجینه او بی‌شمار است و نیز پدر دختری است جوزا نام که بسیار زیبا، رعنا و دارای جمال و ملاحظت است بازرگان در مقابل سه خواستگار دختر که هر کدام در هنری ممتاز و مستثنی هستند زمام کار و عنان اختیار را به دست دختر می‌سپارد تا خود هر که را می‌خواهد برگزیند. در ادامه نقش بازرگان بسیار کم می‌شود و تنها هنگامی که دختر توسط جنی ربوده می‌شود، پدر در زاری و بی‌قراری می‌شود و دیگر نشانی از او نیست.

داستان ۶۲ حکایت بازرگانی است که دختری دلفریب و رعنا و با کمالات دارد. بازرگان زیرک است و با خود می‌اندیشد زیبایی این دختر می‌تواند در خور شبستان شاه باشد و از این رهگذر هم دختر به آسایش می‌رسد و هم سعادت برای خود وی حاصل می‌شود. سپس در اقدامی وصف جمال و کمال دختر را می‌نویسد و به دربار شاه می‌برد. و پس از آن که شاه به دلیل غدر وزیران از این ازدواج صرف‌نظر می‌کند

بازرگان دوباره دست به کار شده و این بار دختر را به ضرورت به کوتوال شهر تزویج می‌کند و سپس از صحنه خارج می‌گردد.

در حکایت ۶۵ به بازرگانی صاحب دنیا و نعیم وافر بر می‌خوریم که با چندان درهم و دانیر و لالی از گنج عقل بی‌بهره است. این داستان در مورد حيله و غدر زن با بازرگان ساده دل است. این بار بازرگان سفر نمی‌کند بلکه هنگامی که اندکی بر خیانت همسر اطلاع می‌یابد برای تحقیق در صحت و سقم ماجرا به قصد سفر از خانه خارج می‌شود ولی پنهانی برمی‌گردد و در زیر تخت بانو پنهان می‌شود. بانوی زیبای زیرک که حضور شوهر را در می‌یابد با ترفندی ماجرا را جور دیگری وانمود می‌کند و با آن که با معشوق خود در خانه خلوت نموده با حيله ای از این مهلکه جان سالم به در می‌برد و در نهایت بازرگان ساده دل نه تنها عروس را عقوبت نمی‌کند بلکه «به معذرت در ایستاد که ای مستوره و ای پاکدامن به چه چیز عذر جمیل تو خواهی؟» و حماقت تا جایی است که آن نامحرم هر گاه می‌خواست در پگاه و بیگاه و روز و شب رخصت داشت به خانه آنها تردد کند. «و از شهر آرای [عروس] به تجدید عذر خواست و مهرش از یکی به دو افزود و در پایش افتاد؛ و آن مرد بیگانه را در خانه خویش به اسم برادر خواندگی زن محرم گردانید...» ص ۴۲۲.

حکایت ۷۰ شباهت‌هایی با حکایت اصلی دارد. بازرگانی در شهر ترمذ بی‌فرزند است. از این موضوع به غایت نگران است. صدقه بسیار می‌دهد و توسل می‌جوید و به پیرانه سرصاحب پسری می‌شود و پسر پس از گذر از کودکی ازدواج می‌کند و همانند صاعد در حکایت اصلی به عروس مشغول شده از خدمت پدر و مادر باز می‌ماند و تربص و تجارت را ترک می‌گوید. و بازرگان وی را نصیحت می‌کند اما کارگر نمی‌افتد (برخلاف حکایت اصلی) در این جاست که دوست بازرگان طوطی و شارکی به بازرگان می‌دهد که سخنگو هستند و وظیفه آنان بازگویی حکایاتی است که موجب می‌شود پسر بازرگان از خانه به در آید.

در حکایت ۸۱ بازرگانی صاحب مال تمام مال خود را در راه علم و اهل علم از دست می‌دهد و سپس به یمن آن به برکتی تمام ناشدنی می‌رسد الگو و طرح و ماجرای این داستان با تمام داستان‌های پیشین که بازرگانان مورد خیانت واقع می‌شدند متفاوت است. بازرگان به علاوه برخلاف سایر داستان‌ها به سفر نمی‌رود، خیانت نمی‌بیند و حتی از خانواده‌اش سخنی به میان نمی‌آید.

### نتیجه گیری

طبق نتایج این تحقیق، ساختار کلی طوطی نامه، داستان در داستان یا دایره ای شکل است. ساختار شخصیت‌ها نیز دایره ای است به این ترتیب که اولین داستان با مضمون خیانت زنان آغاز می‌شود سپس داستان‌هایی

با مضامین خیانت و دیگر مضامین در دل داستان اصلی بیان می‌گردد. به این ترتیب که داستان با سفر بازرگان و اندیشه خیانت از طرف زنش آغاز می‌گردد و در این میانه شخصیت‌های مختلف و متعددی وارد ساختار داستان می‌شوند و نقش ایفا می‌کنند تا این که در پایان زن بازرگان از هدف شوم خود - خیانت به همسر - باز داشته می‌شود.

مشخص شد که یکی از تیپ‌های اصلی در طوطی نامه شخصیت بازرگان است. در اغلب داستان‌ها از جمله حکایت اصلی شغل بازرگانی و الزام بازرگان در رفتن به سفرهای دریایی و دور و دراز زمان و مکان خیانت را مهیا می‌کند.

با وجود تعداد زیاد تجاری که به سفر می‌روند هیچ داستانی در سفر شکل نمی‌گیرد و اتفاق نمی‌افتد بلکه پس از خروج بازرگان از صحنه، اتفاقات اصلی مطمح نظر راوی رخ می‌دهند. وجه مشترک تمام بازرگانان داشتن ثروت و نداشتن فرزند است که البته تمام آنها در مراحل پایانی زندگی به یمن توسل به بزرگان فرزنددار می‌شوند. ویژگی مشترک دیگر آن که همگی به سفر تجاری می‌روند و اغلب سود می‌کنند و سایر ویژگی‌های آنها به نقش داستانی‌شان مرتبط است.

مضمون حکایت اصلی خیانت همسر بازرگان است. نقش مهم و اصلی بازرگان این است که به دلیل اشتغال به بازرگانی و لزوم ترک منزل برای مدتی قابل توجه، زمینه را کاملاً برای خیانت زن آماده می‌کند.

اغلب داستان‌هایی که شخصیت بازرگان شخصیت اصلی آنهاست به مضمون خیانت می‌پردازد؛ مثل حکایت ۱، ۲، ۱۹، ۵۹، ۶۵، ۴۵ و ۷۰.

در حکایات دیگر مثل حکایت ۵۶ اشاره به خیانت برادر کوچک‌تر بازرگان در حق وی دارد. در حکایت ۶۵ علاوه بر اشاره به موضوع خیانت زن، از بلادت و نادانی مرد بازرگان به شدت انتقاد می‌شود؛ زیرا حقیقت را - خیانت واضح همسر - در نمی‌یابد و برداشت کاملاً متفاوتی از ماجراها دارد.

در حکایت ۱۱ علاوه بر پرداختن به موضوع خیانت زنان به لزوم پوشیده داشتن راز اشاره و تاکید شده و حتی موضوع دوم بسیار پررنگ‌تر از موضوع کلی حاکم بر اثر مطرح شده است.

در این میان حکایت ۵۵ هیچ ارتباطی با موضوع خیانت ندارد و بیشتر بر این نکته تعلیمی تاکید دارد که تلاش برای نگهداری راز از واجبات تاثیر گذار زندگی است، بازرگان به سفر نمی‌رود و به خانواده اش هم شاره ای نمی‌شود.

حکایت ۸۱ نیز ارتباط ضعیفی با راز پوشی دارد اما به این موضوع تصریح دارد که انسان نباید برای امور مشابه حکم واحد صادر کند و باز هم ارتباطی با خیانت زنان ندارد.

بنابراین اکثر مضمون های مرتبط با شخصیت بازرگان به موضوع مکر و خیانت زنان می پردازد همان موضوعی که کتاب طوطی نامه برپایه آن و به خاطر آن به وجود آمده است. اما در برخی دیگر از حکایات هم مشاهده می شود که تعلیم نکات اخلاقی مدنظر بوده و از شخصیت بازرگان صرفاً به شغل وی بسنده شده و اشاره ای به سفر بازرگان ندارد.

در پایان این نتیجه عاید می شود که ساختن تیپ شخصیتی بازرگان برای توجیه نبودش در بطن ماجرا و توضیح چگونگی خیانت زن با توجه به غیاب شوهر و عدم نظارت مستقیم وی، کاملاً ضروری بوده است. البته در تمام ماجراهای طوطی نامه این نکته قابل توجه است که افراد خاطی و خیانتکار به سزای اعمال خود می رسند و هیچ گاه سر بی گناه بالای دار نمی رود. این موضوع نشان دهنده این مطلب است که راوی طوطی نامه سعی ندارد به روایت گیر القا کند که تمام زنان خیانتکار و غیر قابل اعتمادند و یا خیانت در جامعه رواجی چشمگیر دارد بلکه وی با طرح این داستان ها و موضوعات اصلی قصد در متنبه کردن روایت گیر ماجراها دارد، با تاکید بر این مطلب که گناهکار حتماً مکافات می شود و هیچ گاه رازها پوشیده نمی ماند مخصوصاً اگر عمل شیعی چون خیانت باشد، تا بلکه او را از هدف نادرست خود بازدارد که در پایان به این هدف نایل می گردد.

## منابع

- اخوت، احمد (۱۳۷۱) دستور زبان داستان، تهران: نشر فردا.
- بیشاب، لئونارد (۱۳۷۴) درس هایی درباره داستان نویسی، محسن سلیمانی، تهران: نشر رازی.
- شمسیا، سیروس (۱۳۸۱) انواع ادبی، تهران: انتشارات فردوس.
- عبداللهیان، حمید (۱۳۷۹) «داستان و شخصیت پردازی»، ادبیات داستانی، شماره ۵۰.
- عبداللهیان، حمید (۱۳۸۰) «شیوه های شخصیت پردازی»، ادبیات داستانی، شماره ۵۴، بهار ۸۰.
- فولادی تالاری، خیام (۱۳۷۹) «تفاوت قصه و داستان»، ادبیات داستانی، ش ۵۲، بهار ۷۹.
- کاموس، مهدی (۱۳۷۷) «کارکرد شخصیت های فرعی در جهان داستان»، ادبیات داستانی، شماره ۴۸.
- لج، دیوید (۱۳۷۴) نظریه رمان، حسین پاینده، تهران: نشر نظر.



میرصادقی، جمال (۱۳۷۶) عناصر داستان، تهران: انتشارات سخن.  
هارثون، جرمی (۱۳۷۹) «شخصیت پردازی»، محمدعلی آتش‌سودا، ادبیات داستانی، شماره ۵۳.  
همایونی، سبجان، «شخصیت پردازی»، نشریه کارنامه، سال اول، شماره ۲ (اخذ شده از CD نمایه).